

دارند و با آن شناخته می‌شوند و بازارش را دارد. یعنی علاوه بر محصول کشور خودش، از یک کشور دیگر نیز وارد می‌کند و به نام خود صادر می‌کند. ما در ایران اولاد چار افراط و تفریط هستیم و ثانیاً برنامه‌ریزی اصولی نداریم، تولید داخل باید اصل اول باشد. یعنی ما در کشور آن جایی که امکان تولید محصولی را داریم حق نداریم کالایی را وارد و به تولید کشور صدمه وارد کنیم و به ویژه نباید چور کش تولید کننده کالاهای خارجی باشیم.

اهمیت تکمیل فرآیند ارزش افزوده در تولیدات داخلی تا چه اندازه است؟

ما اگر پارچه صادر کنیم سود دوخت و دوزش را آن خارجی می‌برد ولی اگر لباس صادر کنیم هم آن سودها را برده ایم و هم بر مصرف کننده نهایی مدیریت کرده ایم. یعنی اگر کت شلوار صادر کنیم می‌گویند کت شلوار ایرانی اما اگر پارچه صادر کنیم کت شلوار به نام آن کشور تمام می‌شود. قطعاً باید سیاست‌های تشویقی اعمال شود تا به جای مواد اولیه محصول نهایی صادر شود. ما باید به این قضیه خیلی توجه کنیم که ارزش افزوده کالا را به داخل کشور برگردانیم. این امر باعث می‌شود که هم ارزش افزوده بیشتری برای کشورمان ایجاد شود، و هم در اشتغال کشورمان تأثیر گذاری بیشتری و هم اینکه مدیریت ما را بر بازار خارجی بیشتر تثبیت می‌کند.

بدهی دولت به بخش خصوصی چگونه می‌تواند بر فعالیت بخش خصوصی اثر بگذارد؟

این رویه عادلانه‌ای نیست که بسیاری از واحدهای ما از دولت طلبکار باشند و نتوانند طلبشان را بگیرند و در همان لحظه به سیستم بانکی بدهکار باشند، و هم بهره و هم جریمه دیر کرد بدهند، هم اخطار بگیرند و هم ممنوع الخروج شوند. بدهکاری ما به بانک‌ها موجب جریمه و هزار مسئله دیگر می‌شود هیچ کاری هم به عنوان یک مدیر نمی‌توانیم بکنیم. و حال آنکه دولت در قبال این پرداخت دیر هنگام هیچ سودی و یا هیچ جریمه‌ای به طلبکاران خود نمی‌پردازد. این رابطه درستی نیست و دولت حداقل می‌تواند با استفاده از ابزاری که دارد این‌ها را پایایی یا بدهی‌های بانکی

افراد مبادله کند، و این ارقام، ارقام کمی هم نیست.

فضای کشور را از نظر کشاورزی و سیاست‌های دولت را در این زمینه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

درست است که با کمبود آب مواجهیم، اما شرایط اقلیمی و جغرافیایی ما به کشاورزی در ایران را به عنوان یک مزیت مطرح کرده و بسیاری از محصولات ما به لحاظ شرایط جغرافیایی و امکاناتی که خداوند به این کشور عطا فرموده در رقابت با بازارهای جهانی می‌تواند بدرخشد. در کشاورزی هم ما به درستی از این منابع استفاده نکردیم. در بازارهای کشاورزی دنیا یک تغییر رویکرد در مصرف محصولات کشاورزی به وجود آمده است. بسیاری از مردم دنیا دیگر دوست ندارند میوه‌های زیبا و یکسان را که با استفاده از اصول علم امروز به عمل می‌آید مصرف کنند. بلکه رغبت به میوه‌های طبیعی دارند و ایران یکی از منابع مهم تولید محصولات طبیعی کشاورزی است که می‌توانیم از این موهبت استفاده صحیح را ببریم. اما در کل وضع کشاورزی بسیار بدتر از آنچه که تصور می‌شود است. درد کشاورزی ما از درد صنعت ما بزرگ‌تر است. کشاورز ما بغض در گلو دارد. شاید سخن گو کم دارد. اقتصاد روستایی ما دچار مشکلات بزرگی است. تا چندی پیش بسیاری از نیازهایمان را از روستا تأمین می‌کردیم اما الان برعکس شده شما می‌روید و می‌بینید که بر سر سفره روستایی ما کره هلندی است و این خطر بسیار بزرگی است و ما نباید ساده از کنار این موضوع عبور کنیم. به اقتصاد روستایی باید با اولویت بسیار بالا توجه شود و روستا باید دوباره به سمت مولد بودن برگردد.

باید جاذبه‌های روستا را بالا ببریم به طوری که درآمد فرد در روستا بیشتر از شهر باشد. باید بهره‌وری را در کشاورزی افزایش دهیم.



کره هلندی سر سفره روستایی!

مصاحبه با غلامحسین شافعی رئیس اتاق بازرگانی ایران

حسین افشار صفوی

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن به نوعی مدعی العموم و نماینده بخش خصوصی است. انتظار داشتیم شافعی، رئیس این اتاق از وضعیت تحریم‌ها و فشار ناشی از آن‌ها به بخش خصوصی درد دل‌های زیادی داشته باشد. اما او معتقد است آن قدر که از بی‌برنامگی‌ها و تغییرات در تصمیم‌گیری‌های داخلی مشکل پیدا می‌کنیم از تحریم‌های خارجی به مشکل بر نمی‌خوریم. مهندس شافعی هم چنان از روند واگذاری‌های اصل ۴۴، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری در تولید، دعوی همیشگی بانک‌ها و تولید کنندگان و مطلوبیت بخش کشاورزی ابراز ناراحتی کرد اما نگاه امیدوارانه و ظرفیت‌های داخل و توانایی برطرف کردن موانع پیش‌رو بر ایمان جذاب بود. اگر چه این مصاحبه حدود یک سال پیش وزمانی که وی نایب رئیس اتاق بود انجام شده است اما همچنان حرف‌های او برای امروز نیز خواندنی است.

رقابت بین بخش خصوصی و دولتی تا چه اندازه وجود دارد و این رقابت چه تأثیری می‌تواند به دنبال داشته باشد؟

هم اکنون بخش عمده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی را بخش‌های دولتی انجام می‌دهند که این برخلاف سند چشم‌انداز بیست ساله، برنامه‌های توسعه کشور و آن چه که در قانون اصل ۴۴ مشخص شده است می‌باشد. چرا که کار دولت تنها حمایت و تسهیل امور در فعالیت‌های اقتصادی است در حالی که ما شاهد کاهش چشمگیر فعالیت‌های دولت در مسائل اقتصادی نیستیم و قطعاً دولت در بسیاری از کارها و مسائل اقتصادی رقیب بخش خصوصی است. این رقابت هم یک رقابت نابرابر است. شان دولت بالاتر از این است که رقیب مردم شود. الان بالای ۷۰ درصد از کل فعالیت اقتصادی کشور را دولت و کمتر از ۳۰ درصد را بخش خصوصی در دست دارد.

روند واگذاری در اصل ۴۴ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

تقریباً هیچ یک از تحلیل‌گران و مفسران اقتصادی و حتی خود دولت مردان و مجلس روند واگذاری در اصل ۴۴ را روند مثبتی نمی‌بینند. در بعضی از موارد ما برای اجرای اصل ۴۴، خصوصی‌ها را دولتی می‌کنیم اما دولتی‌ها را خصوصی نکردیم. یا در بخش‌هایی آمدم و از این جیب به آن جیب کردیم. یعنی یک بنگاه اقتصادی را بابت بدهی‌های یک بخش دولتی به آن واگذار کردیم. وقتی ما ۱۰ درصد از سهام یک بنگاه بزرگ اقتصادی را به بخش خصوصی واگذار می‌کنیم، میزان مداخله بخش خصوصی در این بنگاه فقط ۱۰ درصد است. بنابراین بخش خصوصی نمی‌تواند در مدیریت این واحد نقش داشته باشد بلکه بخشی از پول‌های بخش خصوصی نیز زیر نظر مدیریت دولتی می‌رود. ما شان اجرای اصل ۴۴ را به تغییر

مالکیت پایین آورديم. در اصل ۴۴ ما باید به سمت مدیریت خصوصی و فلسفه اصل ۴۴ که ایجاد رقابت در فعالیت‌های اقتصادی است حرکت کنیم و رقابت را جایگزین انحصار کنیم.

در چه قسمت‌هایی از فعالیت‌های استان خراسان رضوی، انگیزه برای ورود بخش خصوصی کم است؟

خوشبختانه در استان خراسان بیش از ۹۵ درصد از واحدهای تولیدی در اختیار بخش خصوصی است و از این لحاظ رتبه استان خراسان رضوی در کل کشور رتبه اول را دارد. قطعاً در بعضی از سرمایه‌گذاری‌ها بخش خصوصی تمایلی به سرمایه‌گذاری و فعالیت ندارد چرا که سرمایه‌گذار در بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی هیچ پیش‌آگاهی از آینده خودش ندارد. سرمایه‌گذاری در بخش تولید یک سرمایه‌گذاری بلندمدت است. بنابراین زمانی که یک سرمایه‌گذار افق بلندمدت خود را بتواند پیش‌بینی کند برای سرمایه‌گذاری تمایل پیدا می‌کند و زمانی که ما این پیش‌بینی را نداشته باشیم با ریسک‌های بسیار بزرگ، مواجه می‌شویم از طرفی شاید بسیاری از معضلاتی که الان ما داریم ناشی از اشتباهات گذشته ما باشد. اشتباهاتی از قبیل مکان‌یابی، مزیت‌سنجی، ظرفیت‌یابی در تولید و... به عنوان مثال میزان ظرفیت اسمی کارخانه‌های رب و گوجه فرنگی در کشور ما از میزان تولید گوجه فرنگی بالاتر است و بنابراین با این اشتباه واحد‌هایی ساختیم که با ظرفیت کامل نمی‌تواند کار کند.

سیاست‌های صادرات و واردات در کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

واردات و صادرات یک جاده دو طرفه است. کشورهایی وجود دارند که هم بزرگ‌ترین صادر کننده و هم بزرگ‌ترین وارد کننده کالا هستند چرا که برند یک کالای خاص را در اختیار



ویژه‌نامه نوروزی

روزنامه خراسان

فروردین ۱۳۹۳

